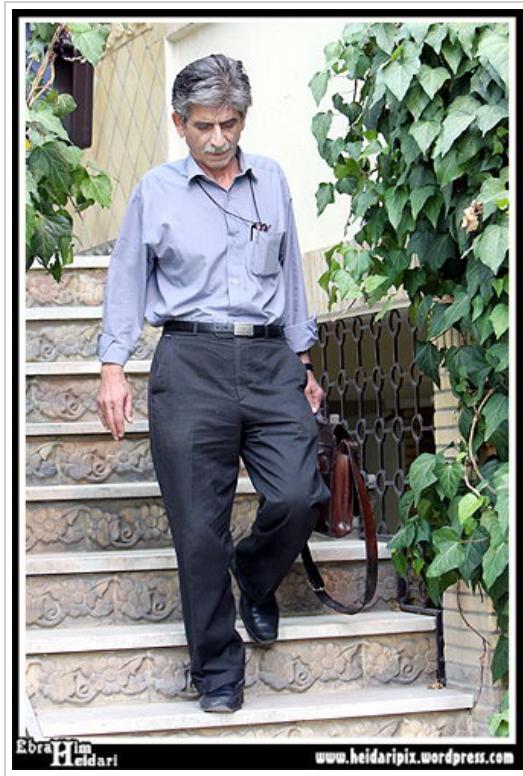


## در عرصه مطبوعات



در عرصه مطبوعات

### یونس تراکمه

هوشنگ گلشیری در مقدمه شماره اول ماهنامه «کارنامه» تعریف و باور خودش را از نشریه‌های ادبی این‌گونه بیان می‌کند: «... توضیحاً اینکه وقتی کسی عهده‌دار یک نشریه می‌شود، اگر وابسته به حلقه‌ای، هیأت تحریریه‌ای، شورای نویسندگانی نباشد آنچه منتشر خواهد کرد، کشکولی خواهد بود، نظیر همه این مجموعه‌های به‌کوشش فلان این سال‌ها، یا حتی مجلات ادبی ما»

همه چیز با «جنگ اصفهان» شروع شده؛ در جمع بودن، بر سر جمع خواندن و با جمع حرکت کردن. از همین‌جا، و حرکت در این مسیر است که گلشیری به تعریف و توقع خودش از فعالیت‌های مطبوعاتی می‌رسد. در میان شاعران و نویسندگان معاصر، شاملو بیشترین حضور را در عرصه مطبوعات ادبی و فرهنگی داشته است. منتها تفاوتی اساسی بین فعالیت‌های مطبوعاتی از نوع شاملو و نوع گلشیری وجود دارد.

شاملو همیشه سردبیر بود حتی در نشریاتی که خودش بانی راه انداختن‌شان می‌شد. هر چند به‌قول دریاپندری گاهی هم باعث و بانی تعطیلی آن نشریات بود. و چون آدم بزرگی بود معمولاً نشریات ماندگاری منتشر می‌کرد.

اما گلشیری مجلات و ماهنامه‌های ادبی را مکمل و محلی برای ارائه فعالیت‌های جمعی و جلسات ادبی‌ای که راه می‌انداخت می‌دانست. گلشیری قائل به این امر بود که فرهنگ در فضای فرهنگی رشد می‌کند، و نه در پستوی خانه‌های تلتک اهل فرهنگ؛ و این باور ریشه در اوایل دهه 40 و آن حرکت‌های اولیه‌ای که منجر به جلسات و نشریه «جنگ اصفهان» شد، دارد.

قصه «جنگ اصفهان» را گفته‌اند، هم گلشیری گفته و هم دیگران؛ قصه انجمن ادبی صائب اصفهان و آن جوان‌هایی که تشنه حضور در جمع بودند و حرکتی که به تدریج در جلسات «جنگ اصفهان» تعریف شد. همه باورهای گلشیری در کارهای مطبوعاتی‌اش در همین جلسات و این مجله شکل گرفت. «جنگ اصفهان»، به‌قول خود گلشیری کشکولی نبود که تعدادی شاعر و نویسنده، هر از چند ماهی، مطالب‌شان را روی هم کنند و شماره‌ای منتشر کنند. آن رابطه دوسویه بین جلسات جنگ و نشریه جنگ منجر شد به اینکه «جنگ اصفهان» تبدیل به یک جریان ادبی شود. از همین‌جا بود که گلشیری به این نتیجه رسید که زنده نگه داشتن فرهنگ منوط به ایجاد جریان‌های فرهنگی است.

وقتی که بررسی می‌کنیم نشریات ادبی را، از جنگ رازی و صدف تا آخرین‌اش همین کارنامه را، می‌بینیم که هر کدام این مجله‌ها نمایندگان فعالیت‌های ادبی زمانه خود هستند از منظر و با انتخاب یک سردبیر در راس و با کمک چند نفری دیگر. اهمیت این نشریات هم منوط بود و هست به اهمیت همان سردبیر. اما گلشیری همواره، و همچون یک وظیفه و رسالت، قائل به ایجاد جمع بود و رشد هر فرد را در هر دوره در بده بستن‌های این جمع‌ها می‌دانست.

گلشیری در این جمع‌ها، همان‌گونه که در کارهای مطبوعاتی‌اش، نه صرفاً به‌عنوان معلم و رهبر، که بیشتر بانی بود و کمک‌کننده تا جریانی ایجاد شود، گلشیری در همین جمع‌هایی که به تناوب ایجاد می‌کرد و مجلاتی که هر از گاهی منتشر می‌کرد، نه در پی تکثیر خود، تکثیر شیوه نقد و داستان‌نویسی خود،

### جستجو

### موضوع‌ها

- ادبیات (33)
- اندیشه (10)
- مصاحبه (4)
- هنر (13)

### بایگانی

- 2010 (61) ▾
- August (11) ◀
- July (47) ▾
- ترجمه کاری سترگ
- زیستن در میان خواب‌ها
- از تنورک می‌ترسیم
- نمی‌توانیم منکر مجسمه سازی در ایران شویم
- سرسره روغنی
- ما همه دیزاینیم
- کدام ماه است که توت فرنگی‌ها سرخ می‌شوند
- گذشته سازان
- در آستانه از دست رفتگی زمان
- خوب و بد یا سود و زیان
- این داستان را من با صدای خودش شنیدم
- خاطرات فراوانی برایمان گذاشت
- گلشیری صدایش را در داستان پیدا کرد
- شب مدادها
- به پنج دقیقه‌ای ورق‌ها را هم شستند
- بخت ما بود که او را شناختیم
- کلاژ هوشنگ گلشیری در ذهن ما
- در عرصه مطبوعات
- مگر هوشنگ به آنها چه گفته بود
- ما به وودی آلن عادت داریم
- شما آدم مشهور هستید
- لیبرال‌ها منتشر شدند
- جهان نیازمند رستگاری نیست
- باید فرار کنی
- سراسر بوج
- به اعتبار فوکو همواره شک کنید
- پایان رویای آمریکایی
- بازگشت به ادبیات ایده
- برای اندیشیدن باید ترجمه کرد
- یک حس تلخ خوشایند
- خوانش دوباره عصر بزرگان
- بازنویسی آثار شیمیستی انجیل
- متن‌های نمایشی به جا مانده
- جزوه‌ها را باد با خود می‌برد
- آمریکا وجود ندارد
- ما نوادگان کارل گئورگ بوشنر هستیم
- درختی هستم که قهر کرده است
- تاریخچه تحلیلی کمیک استریپ
- در ستایش تجربه
- به حیوانی که کنارت افتاده نگاهی بینداز
- وظیفه نسل پس از شما
- نقد عرصه مبارزه است

برسیاق کتاب‌های دهه ۶۰

در ستایش ویراستاری

دروازه‌ای به جهان رسانه

همه چیز تنها اتفاق است

ناگهان فرو می‌ریزی

◀ (3) May

## کتاب شرق: در عرصه مطبوعات

که در پی تکثیر و جا انداختن این باور بود که با این جمع‌هاست که شعر و داستان هر عصر، به‌رغم فشارها و محدودیت‌ها، زنده می‌ماند. از همین روست که اعضای این جمع‌ها در دوره‌های مختلف وقتی یادی از آن جلسات می‌کنند، همه تقریباً می‌گویند من بومد و فلانی و فلانی، در ضمن گلشیری هم بود و این خواست گلشیری بود.

«جنگ اصفهان» اولین فعالیت مطبوعاتی گلشیری و حقوقی بود و چند تایی دیگر بود، و انگار دومین کار مطبوعاتی نجفی دوستخواه. بعد از انقلاب، و همان اوایل، گلشیری مجدداً به اصفهان رفت و «دفتر مطالعات فرهنگی» را در آنجا راه انداخت، با این نیت که از دل فعالیت‌های ادبی جاری در این دفتر نشریاتی هم منتشر شود، که نشد و کار نیمه‌تمام رها شد.

انتشارات آگاه از سال ۱۳۵۷ اقدام به انتشار مجموعه‌هایی در قالب کتاب به‌نام «نقد» و «نقد آگاه» کرد. «نقد آگاه» که انتشار مجددش و این بار به‌همت دوست شاعر و منتقدمان عنایت سمیعی از سال گذشته شروع شده است، ابتدا دو جلد تحت عنوان «نقد» در خرداد و آبان ۱۳۵۷ زیر نظر زندگی‌یاد مصطفی رحیمی منتشر کرد. از تیرماه ۱۳۶۱ تا اسفند ۱۳۶۳ چهار جلد دیگر و با عنوان «نقد آگاه» با همکاری هوشنگ گلشیری منتشر شد. بررسی مطالب این چهار شماره در آن مقطع تاریخی حائز اهمیت است، چه نقدهای مفصلی که خود گلشیری بر داستان‌های نو نویسنده بزرگ معاصر نوشت و چه مجادله قلمی که بر سر یک موضوع سیاسی و اجتماعی بین دو سه نفر از محققان و مترجمان درگرفت.

در بین فعالیت‌های مطبوعاتی گلشیری دو دوره مهم و شاخص وجود دارد که دستاوردهای آن از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. یکی ۱۰ شماره ماهنامه «مفید» است و یکی هم و باز، ۱۰ شماره ماهنامه «کارنامه». (شماره یازدهم این مجله را هم گلشیری تدارک دیده بود که در دوران بیماری و بعد از فوت او منتشر شد.)

۱۰ شماره ماهنامه «مفید» در یک سال، از بهمن ۱۳۶۵ تا بهمن ۱۳۶۶ منتشر شد. به دلایل مختلف این دوره مجله «مفید» قابل بررسی است. هم «نقد آگاه» و هم ماهنامه «مفید» باید بر بستر زمان انتشارشان دیده شوند. برای آنکه به اهمیت این دو نشریه واقف شویم لازم است شرایط زمانی انتشار آنها دقیقاً شناخته شود. با شناخت فضای سیاسی و فرهنگی دهه ۶۰، به اهمیت کار گلشیری در انتشار این دو نشریه بیشتر پی می‌بریم. مهم‌تر از همه شناخت مخاطبان محصولات فرهنگی در آن سال‌هاست و اینکه مخاطبان جوان آن سال‌ها چه شناختی از امور فرهنگی قبل از انقلاب داشتند و بعد از انقلاب که به‌تدریج داشتند «عقل‌رس» می‌شدند چه دغدغه‌هایی داشتند و چقدر ادبیات معاصر و پیشینه‌اش را می‌شناختند. درایت گلشیری در شناخت این مسائل و تشخیص ضرورت‌ها، در مطالب چاپ‌شده در این دو نشریه به‌خوبی دیده می‌شود.

در این ۱۰ شماره «مفید»، ۱۰ داستان از ۱۰ نویسنده جوان آن سال‌ها چاپ شده است؛ از اکبر سردوزامی، رضا فرخفال، علی خدایی، محمدرضا صفدری، شهریار مندنپور، ناصر زراعتی، جعفر مدرس‌صادقی، منصور کوشان، قاضی ربیحاوی و ۴۰ تن.

گلشیری انگار با چاپ این داستان‌ها خواسته چشم‌انداز داستان‌نویسی و داستان ایرانی را ترسیم کند که در ادامه دیدیم نویسندگان سال‌های بعد از میان همین‌ها بودند.

در این ۱۰ شماره ماهنامه «مفید»، گلشیری با مقوله شعر خیلی محتاط طرف می‌شود. دو سه شاعر بیشتر در این نشریه شعر ندارند و در هیاهوی شعر و شاعران، او سعی می‌کند حداقل این چند شاعر خوب خوانده شوند. در همین ۱۰ شماره باز گلشیری نقدنویسی‌اش را ادامه می‌دهد، و این‌بار هدفمندتر. با معرفی و نقد نیما و شاملو و اخوان، او هوشیارانه سعی می‌کند نسل جدید و مخاطبش را وصل کند به پیشینه نه‌چندان دور ادبیات معاصر؛ نسل جوانی که بعد از انقلاب و به دلایل مختلف هر گونه رابطه‌ای از این دست را از دست داده بود.

بعد از «مفید» او یک شماره «ارغنون» را منتشر کرده و چهار شماره (در دو مجلد) «زنده‌رود» را. اما او برای «کارنامه» تدارک وسیعی دیده بود و خیلی امید بسته بود که با انتشار این ماهنامه جریان فرهنگی وسیع و زنده‌ای راه بیندازد. «کارنامه» مجله‌ای بود که از ابتدا گلشیری آن را تعریف کرده بود، چشم‌اندازش را ترسیم کرده بود و برای رسیدن به این چشم‌انداز، آن جمع و گروه را هم انتخاب کرده بود. گلشیری انگار بنا داشت با «کارنامه» به همه آرمان‌هایش در این زمینه شکل بدهد.

کارهای مطبوعاتی گلشیری حاصل کار جمع و جمع‌هاست؛ جمع‌هایی که در کنار آن کارها برای او بسیار مهم بودند.

نویسنده کتاب شرق ساعت ۲۲:۴۵

موضوع ادبیات

**0 نظر:**

**ارسال یک نظر**